

بهره‌مندی محکومان از حق آموزش؛ راهبرد پیشگیری از تکرار جرم

جمال بیگی*

مهرداد تیموری^۱

چکیده

انسان در هر مکان و زمان و بدون هرگونه تبعیض به صورت برابر مستحق بهره‌مندی از حقوق بشری خود به مثابه حقوق ذاتی و انفکاک‌ناپذیر می‌باشد. حقوق بشر انسان را تنها به علت خصیصه انسان بودن دارای حقوق و آزادی می‌شناسد که از جمله این حقوق حق آموزش می‌باشد. آموزش امروزه رکن اساسی ترقی و پیشرفت جوامع بشری قلمداد می‌گردد و به عنوان یکی از حقوق بنیادین هر فرد در جامعه است خواه آن فرد بزهکار یا غیر بزهکار باشد. هدف از پژوهش بررسی مبانی و همچنین خاستگاه و تحولات بهره‌مندی محکومان از حق آموزش و تأثیر آن در پیشگیری از تکرار جرم است. پژوهش حاضر با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و تحلیلی نگارش یافته است. یافته‌ها و نتایج پژوهش حاکی از این است که برخورداری از حق آموزش در جهت اصلاح و تربیت محکومان امری اساسی و حیاتی برای اصلاح و تربیت بزهکاران است. بر مبنای نظریات جرم‌شناختی بزهکاران در فرایند جامعه‌پذیری و بازسازی اجتماعی که از طریق آموزش به آنان منتقل می‌شود می‌آموزند که در جامعه چگونه رفتار نمایند و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را محترم بشمارند و از سویی نیز از تکرار جرم در جامعه پیشگیری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زندان، حق آموزش، آموزش محکومان، پیشگیری از تکرار جرم.

*. دانشیار مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

۱. پژوهشگر مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

Email: mehrdadteymoori1@gmail.com

مقدمه

جرم که پدیده طبیعی و دائمی اجتماعی است، در هر مکان و زمان اتفاق می‌افتد. سیر تکامل اخلاق اجتماعی و موقعیت‌های خاص، در تغییر مفهوم و کیفیت ارتکاب جرم مؤثر است. در زمان‌های گذشته مجازات‌ها با قساوت و شقاوت اجرای اعدام و مجازات‌هایی از قبیل زنده‌به‌گور کردن، سوزاندن، طعمه حیوانات درنده ساختن، کور کردن و انواع شکنجه‌های بدنی رواج داشت؛ زندان محلی بود که متهم را در آنجا نگهداری می‌کردند تا در روز دادرسی در دادگاه حاضر نمایند، معمولاً زندان‌ها در زیر قصرها و یا در قلاع بنا می‌شد و جای تاریک ناسالم بود، زندانیان وضع تأثرانگیزی داشته و اکثراً در زندان‌ها جان می‌سپردند. تا این که در سال ۱۹۳۳ اصطلاح حقوق زندانیان در سومین کنگره بین‌الملل حقوق جزا و زندان‌ها پذیرفته شد. در کنگره مذکور، حقوق زندانیان را چنین تعریف نمودند: مجموع قواعد و اصول قانونی که رابطه بین دولت و محکوم را از زمان شروع اجرای مجازات و یا تاریخ بازداشت تعیین می‌کند و طرز اجرای کیفر و روش‌های اصلاحی و تربیتی و یا درمانی و تطبیق دادن آن‌ها با شخصیت بزهکاران و همچنین تشکیلات زندان‌ها و شرح وظایف مسئولان و کار در زندان‌ها و اصولی که رعایت آن‌ها مستلزم بهبود وضع زندانیان و اصلاح و تربیت و یا درمان و آماده نمودن آنان برای بازگشت به زندگی اجتماعی است موضوع حقوق زندانیان است (جعفری، ۱۳۸۹: ۲). با گسترش استفاده از مجازات زندان مسئله حقوق زندانیان نیاز به توجه بیشتری دارد، متهم یا زندانی اگرچه مرتکب جرم و خطا شده است؛ اما نباید ماهیت انسانی و حقوق بشری وی نقض شود و یا سرتاسر حیاتش از پیامدهای منفی یک خطا متأثر گردد (تیموری، ۱۳۹۶: ۲). لذا هرگونه تحمیل درد و رنج نامتناسب و غیرضروری و هرگونه تحدید غیرقانونی و غیرمنطقی حقوق بنیادین بزهکار زندانی در مرحله اجرای کیفر حبس در اشکال گوناگون جسمی و روحی، به‌مثابه نقض حق یاد شده و ضمان‌آور برای حاکمیت‌ها می‌باشد؛ زیرا تبدیل انسان مجرم به موجودی ایستا و بی‌هدف در تضاد با بزرگ‌ترین هدف حبس، یعنی توان‌بخشی و جامعه‌پذیرسازی دوباره مجرم قرار دارد (جلالی و مالدار، ۱۴۰۰: ۱۰۳). از همین رو، عدم توجه عدالت کیفری بر بازپروری محکومان می‌تواند در تکرار جرم از سوی محکومان نیز تأثیر داشته باشد.

هر انسانی از هنگام تولد تا زمان مرگ دارای یکسری حقوق می‌باشد که باید مورد احترام همه بوده و از تضییع این حقوق به هر نحوی پیشگیری گردد. این حقوق به واسطه انسان بودن بر شخص تعلق می‌گیرد و جزء حقوق بنیادین و اساسی انسان می‌باشد. حال اگرچه آزادی شخصی که متهم یا محکوم می‌شود سلب می‌گردد، لیکن این شخص نیز یک انسان است که در مؤسسات کیفری واجد حق‌هایی بوده و نباید این حقوق انسانی وی نادیده گرفته شود (تیموری، ۱۴۰۱: ۷). لذا بزهکاران به جهت ارتکاب رفتار مجرمانه صرفاً شایسته حبس‌اند. نه این که علاوه بر سلب آزادی از دست‌یابی به دیگر حق‌ها نیز محروم شوند. در واقع، سزای این گروه از مجرمان زندان است، اما این کیفر نباید از دسترسی زندانیان به دیگر مصادیق حق‌های بنیادین بشری مانع ایجاد کند (نیازپور، ۱۳۹۴: ۲۷).

امروزه آموزش رکن اساسی ترقی و پیشرفت جوامع بشری قلمداد می‌گردد و حق آموزش زندانیان نیز به‌عنوان یکی از حقوق بشر و شهروندی آنان قلمداد می‌گردد، هر چند برخورداری از حق آموزش در راستای باز اجتماعی نمودن و اصلاح و تربیت آن‌ها نقش اساسی را می‌تواند داشته باشد. این در حالی است که اجرای حق آموزش زندانیان در ایران با چالش‌های متعدد فرهنگی، مالی، قضایی، قانونی، اجرایی و امنیتی مواجه است (تیموری و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۵). مطابق آخرین آمار که رئیس وقت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در ۲۶ آذر ماه ۱۳۹۹ اعلام داشته‌اند ۷۱ درصد زندانیان کشور را افرادی با میزان تحصیلات زیر دیپلم تشکیل می‌دهند که از این میان حدود ۳.۵ درصد آن‌ها بی‌سواد هستند^۱. لازم به ذکر است آموزش محکومان که در راستای بازپروری و اصلاح و تربیت آنان مورد اشاره قرار می‌گیرد، بهره‌مندی از حق ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و همچنین تحصیلات عالی و به‌طور کلی تحصیلات آکادمیک (تیموری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۶۱). آموزش‌های فرهنگی، مهارت‌آموزی و فنی و حرفه‌ای را شامل می‌گردد. همچنین دسته‌بندی بزهکاران در بهره‌مندی از آموزش می‌بایست شامل تمامی زندانیان شود که به‌نوعی با غربالگری آن‌ها بر اساس پرونده وضعیت زندانی و منشأهای ارتکاب جرم با هدف رفع یا تعدیل این منشأها و با در نظر گرفتن طول مدت اقامت زندانیان در مؤسسه و دیگر اوضاع و احوال مؤثر که منجر به طبقه‌بندی زندانیان و درنهایت تعیین اینکه کدام نوع آموزش بیشترین تأثیر در پیشگیری از تکرار جرم را داراست انجام پذیرد. لذا، با توجه به این موضوع نیز پلان مقاله نخست به بررسی

۱. به نقل از خبرگزاری ایرنا ۲۶ آذر ۱۳۹۹، کد خبر: ۸۴۱۵۰۰۹۹

مبانی فقهی، حقوق بشری و اخلاقی بهره‌مندی محکومان از آموزش و سپس خاستگاه و تحولات بهره‌مندی محکومان از آموزش و درنهایت نیز آموزش محکومان در رویکرد نظریه‌های جرم‌شناختی دسته‌بندی شده است.

فراگیری دانش صرفاً به علم‌آموزی و یادگیری نقطه‌های علمی محدود نمی‌شود. بلکه، موجبات آشنا شدن شهروندان با ارزش‌های اساسی جامعه و چگونگی برخورد آنان با مناسبت‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. درواقع آموزش و پرورش بستری مناسب برای ارتقاء سطح دانش و جامعه‌پذیرسازی افراد به شمار می‌رود (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۸۶: ۲۶). لذا با سرمایه‌گذاری بیشتر در اشاعه و گسترش سواد رسمی که تغییر نگرش سنتی زنان و مردان بزهکار و جامعه سالم را در پی دارد، می‌توان در جهت کنترل اجتماعی زیرساخت‌های آسیب‌زای جرم و بزهکاری گام مؤثری برداشت (اسدالهی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۴۹). نظر به بررسی منابع مرتبط با موضوع پژوهش که بر اهمیت آموزش زندانیان پرداخته شده است؛ از همین‌رو نوآوری مقاله حاضر در بررسی مبانی و خاستگاه و رویکرد نظریه‌های جرم‌شناختی بر آموزش زندانیان و تأثیر آن در پیشگیری از تکرار جرم مستفاد می‌گردد. از همین‌رو، پژوهش حاضر ضمن شناخت مبانی و خاستگاه و تحولات بهره‌مندی محکومان از حق آموزش درصدد پاسخ به این سؤال است که حق آموزش محکومان چگونه می‌تواند از تکرار جرم پیشگیری کند؟

۱. مبانی بهره‌مندی محکومان از آموزش

آموزش یکی از زمینه‌های زیر بنایی تقویت آگاهی افراد و از منابع حیاتی توسعه است که باعث می‌شود افق‌های جدید فراروی انسان‌ها قرار بگیرد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۳۰۵). و در پروراندن فرد و بالنده کردن جمع نقش حیاتی دارد. شناسایی استعدادها و ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی آن‌ها در زمینه‌های مختلف و رشد متعادل انسان در جنبه‌های عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی مسئولیت سنگینی است که آموزش و پرورش باید انجام دهد (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۷). و لذا حق آموزش، حقی است که بر اساس آن کلیه افراد حق دارند آموزش‌هایی را که برای رشد شخصیت فردی و جمعی آن‌ها لازم است ببینند (طلایی، احمدی باباناری و نبوی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱). از همین‌رو، در ادامه به بررسی مبانی فقهی، حقوق بشری و اخلاقی بهره‌مندی محکومان از حق آموزش می‌پردازیم.

همه انسان‌ها حق بهره‌مندی یکسان و برابر از امکانات آموزشی را دارند و نمی‌توان هیچ انسانی را از این حق محروم کرد، از نظر اسلام نیز این حق به رسمیت شناخته شده و در برخی موارد به تحصیل آن تکلیف نیز شده است. آیات و روایاتی که بر فضیلت علم و اکتساب آن تأکید می‌کند و مسلمانان را به تلاش در راه کسب آن تشویق می‌کند، دلالت بر این امر دارد (سلامتی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۸). در منابع دینی در باب اهمیت تعلیم و تعلم بسیار سخن رفته تا جایی که این شیوه تربیت و آموزش به‌عنوان یکی از متعالی‌ترین اهداف انبیاء شمرده شده است و از دیدگاه قرآن نیز شخص متصف به وصف علم دارای برتری است و جایگاه شایسته‌ای دارد. این اهمیت تا بدان جاست که حتی گزینش‌ها در اسلام تحت‌الشعاع میزان تربیت افراد قرار گرفته است (توحیدی، ۱۳۸۵: ۱۵۴). اسلام تأکید بسیار زیادی در امر علم‌آموزی و پرورش انسان‌ها دارد و همه آحاد مردم اعم از زن و مرد، سیاه‌وسفید و فقیر و غنی را در این امر مساوی می‌داند و با بیان امتیازات مهم افرادی که دارای دانشی سودمند است.^۱ همه را به این کار از دوران کودکی تا پایان عمر و در همه حال سفارش کرده است.^۲ اسلام همه افراد جامعه را در بهره‌مندی از این حق مساوی دانسته و به آن ترغیب کرده است. پیامبر اکرم (ص) کسب دانشی مفید را بر همه افراد اعم از زن و مرد واجب دانسته و فرقی در این خصوص بین افراد قائل نشده‌اند^۳ (آشوری، ۱۳۹۴: ۹۶). نبی مکرم اسلام به مسلمانان توصیه می‌نمودند به دنبال دانش بروید و در فراگیری دانش هیچ‌گونه محدودیت زمانی و مکانی نداشته، از ابتدای کودکی تا آخر عمر در پی آموختن باشید؛ «اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» و حتی اگر تنها راه دستیابی به علم دانش و سفر به دوردست‌ترین نقاط جهان هم چون چین باشد که در آن زمان مسافرت به آنجا به‌آسانی ممکن نبود. از هیچ کوششی دریغ ننمایید. «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (مجلسی، ۱۴۱۱: ۳۲). بنابراین، ملاحظه می‌شود که دین اسلام امر علم‌آموزی و آموزش را مهم شمرده است. در همه حال و در هر سنی آن را بر انسان‌ها امری واجب تلقی نموده است و

۱. این تعبیر به نحوی جامع در آیه نهم از سوره زمر آمده است؛ «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» و خداوند دانایان را برتر از کسانی می‌شمرد که از دانش بی‌بهره‌اند.

۲. قال امام صادق (ع): «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ فِي كُلِّ حَالٍ» زگهواره تا گور دانش بجوی (بحارالانوار، ۱۴۱۱: ۱۷۲).

۳. قال رسول الله (ص): «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است (بحارالانوار، ۱۴۱۱: ۳۱).

همواره انسان‌ها را تشویق به آموختن علم و آموزش آن نموده است و فرقی میان انسان از حیث نژاد، جنسیت و ... قائل نگردیده است؛ بنابراین، زندانیان نیز همانند سایر افراد در جامعه دارای کرامت‌اند و از این روی می‌توانند از حق آموزش بهره‌مند گردند.

۱-۲. مبانی حقوق بشری

هر انسانی از حقوق ذاتی طبیعت برخوردار است. آن‌ها می‌توانند با رعایت مقررات قانونی که در مورد زمین اعمال می‌شود، از این حقوق برخوردار شوند. مفهوم جامعه بدون وجود این حقوق ذاتی یک انسان بی‌معنی است. اصطلاح حقوق بشر به‌طور جمعی به معنای آن دسته از دعاوی حقوقی است که مربوط به نوع بشر است و این نوع از حقوق جهانی انسان‌ها از زمان بسیار قدیم در بشر رشد یافته است. این حقوق به‌قدری ذاتی هستند که بدون آن انسان نمی‌تواند به زندگی باکرامت مناسب فکر کند؛ بنابراین حقوق بشر حداقل معیارهای اخلاقی را برای جامعه بشری نشان می‌دهد (Miah, AbdulHamid & Ara Begum, 2018: 26). حقوق بشر تضمینی است برای همگون کردن زندگی اجتماعی انسان‌ها به‌نحوی که عدالت، آزادی و کرامت انسانی افراد بدون تبعیض و به‌طور منصفانه برای همه تأمین شود. به این روی، هر فردی به‌عنوان عضو یک جامعه باید از حقوق بنیادین خود که ناشی از نیازهای اساسی و ذاتی اوست بهره‌مند شود تا از این طریق بتواند زمینه‌های رشد مادی و معنوی خود را فراهم کند. از جمله حقوق بشری افراد، حق برخورداری از تعلیم و تربیت است. فراهم نمودن مقدمات این حق به‌صورت برابر برای اعضای جامعه ضروری است. در قبال حمایت اصول و قواعد مقرر حقوق بشری از حق آموزش و پرورش برخی اندیشمندان معتقدند آموزش و پرورش نیز باید به سمت رشد و تعالی شخصیت بشری، تقویت احترام و ناآرامی‌های اساسی هدایت شود و زمینه صیانت از صلح و ایجاد رابطه دوستانه در میان گروه‌های نژادی و مذهبی میان همه ملت‌ها را فراهم کند (O'Byrne, 2013: 5). حق آموزش به‌عنوان سازنده زیربنای فهم و درک انسانی و مجرای تعین و تحقق دیگر حقوق معنوی (مبتنی بر روان انسانی)، از جمله آزادی اندیشه، بیان و مذهب، از منزلتی بسیار رفیع در میان سایر حقوق انسان برخوردار است (نیاورانی، ۱۳۸۹: ۳۸۱). حق آموزش و پرورش را می‌توان به‌عنوان طبیعی‌ترین و اساسی‌ترین حق افراد بشر تلقی کرد که پایه و مبنای برخورداری سایر حقوق و ناآرامی‌های اساسی بشر است و تمام افراد بشر به‌گونه مساوی و

بدون تبعیض از لحاظ جنس، رنگ، نژاد، ملیت، مذهب، دین و ... از این حق برخوردارند و هدف پرورش رشد جسمی و روحی و هدف آموزش رشد فکری و ذهنی بشر است؛ که این هر دو لازم و ملزوم هم دیگر بوده و با هم دیگر پیوند ناگسستنی دارند (سلامتی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۶). پیش از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آموزش همواره به عنوان یکی از حق‌های بشری در فهرست پیشنهادی برای منشور بین‌المللی حقوق بشر قرار داشت. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بعدی مرتبط نظیر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز حق آموزش صریحاً در زمره حقوق بشر شناخته شد. بنابراین از لحاظ حقوق بشر موضوعه تردیدی در حقوق بشری بودن حق آموزش وجود ندارد؛ اما در خصوص مبانی نظری شناسایی حق آموزش به مثابه حقوق بشر اختلاف نظرهایی بین صاحب‌نظران مشاهده می‌شود. برخی اندیشمندان حق آموزش را از این لحاظ حقوق بشری می‌دانند که ابزار تحقق سایر حقوق بشر است و برخی دیگر، آن را اصالتاً و مستقلاً در زمره حقوق بشری می‌دانند (انصاری، ۱۳۹۵: ۱۶۵). واقعیت این است که آموزش زندان دارای مزایای غیرقابل انکاری است، بیش از حد متعادل است. شواهد نشان داده است که مجرمانی که در دوره حبس خود در برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای شرکت کرده‌اند، پس از آزادی بیشتر از زندانیانی که درگیر یادگیری نبوده‌اند، پس از آزادی وارد بازار کار می‌شوند. هم‌چنین مشخص شده است که تحصیلات به طور قابل توجهی به ادغام مجدد اجتماعی زندانیان کمک می‌کند؛ بنابراین ضروری است که آموزش زندان به عنوان یک حقوق بشر مورد تأکید قرار گیرد (Rangel Torrijo & De Maeyer, 2019: 673). بنابراین، حق آموزش به عنوان یک حق ذاتی انسانی محسوب می‌شود که باعث رشد شخصیت و به کمال رسیدن انسان بوده و استعدادهای بالقوه انسان را به سوی یک هدف مشخص به فعلیت می‌رساند و از آنجا که حق آموزش در زمره حق داشتن‌هاست نه در زمره بر حق بودن‌ها، حق آموزش مؤید آزادی شهروندان در ترسیم آینده خویش است. آزادی شهروندان در عرصه آموزش و پرورش دقیقاً از مؤلفه‌های شناسایی و تضمین حق آموزش است؛ یعنی در جامعه و در نظام حکمرانی که حق آموزش به صورت تمام‌عیار شناسایی و تضمین شده همه شهروندان بدون هیچ‌گونه تبعیض و تمایزی می‌توانند بر حق آموزش دسترسی پیدا کنند.

۳-۱- مبانی اخلاقی

زندان از همان آغاز یک «بازداشت قانونی» بود که مسئولیت یک مکمل اصلاح‌گر را بر عهده داشت؛ به عبارت دیگر، دستگاهی برای اصلاح افراد، که محرومیت از آزادی امکان کارکرد آن را در نظام قانونی فراهم می‌آورد (فوکو،^۱ ۱۳۸۵: ۲۸۸). معمولاً سطح فرهنگ جامعه ارتباط مستقیمی با جرم دارد یعنی هر چه سطح فرهنگ بالاتر باشد، میزان جرم و جنایت کمتر است. چون فرهنگ، شخصیت و توان فکری انسان را ارتقا می‌بخشد از همین رو افراد کمتر حاضر به روی آوردن به ارتکاب جرم می‌شوند. همین مسئله در زندان‌ها نیز صادق است یعنی اگر سطح فرهنگ و فکر زندانیان ارتقاء یابد قطعاً در تکرار جرم توسط آن‌ها چه در داخل زندان‌ها یا سطح جامعه تأثیر مثبت دارد (رجبی، ۱۳۸۲: ۱۵۱). با توجه به این که آموزش و تحصیل حق یا امتیازی است که در دسترس کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد تا نتایج آن در بهبود کلی حقوق آنان مؤثر واقع شود و با آموزش است که کودکان به جهان خارج از فرهنگ فقر دسترسی دارند و از راه فراگیری علوم و مهارت‌ها، ارزش‌های معنوی را می‌یابند و به سوی زندگی توأم با خوشبختی هدایت می‌شوند (بیگی، ۱۳۹۸: ۳۱). لذا مسئله آموزش و تحصیل اطفال با بزهکاری آن‌ها نیز ارتباط تنگاتنگی دارد تا جایی که ویکتور هوگو^۲ (۱۸۸۵-۱۸۰۲) نویسنده فرانسوی در تأیید آموزش و پرورش در اصلاح و تربیت افراد می‌نویسد «یک مدرسه باز کنید تا در یک زندان بسته شود» و کمیته فرانسوی مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری تعلیم و تربیت و تحصیلات اجباری برای اطفال را به‌عنوان یکی از طرق پیشگیری از خشونت و بزهکاری در خصوص سیاست جنایی فرانسه توصیه کرده است (بیگی، ۱۳۸۸: ۳۱۳). سایر افراد و گروه‌های اجتماعی برای پرورش آگاهانه به‌منظور بهره‌مندی از همه توانایی‌ها، استعدادها، گرایش‌ها و دانش تخصصی یاد می‌گیرند (Dieter Beiter, 2005: 18). از مهم‌ترین علل بزهکاری و آسیب‌هایی اجتماعی عدم آگاهی و اطلاع کافی افراد و نداشتن مهارت‌های لازم در زندگی اجتماعی است که برای پیشگیری آن یکی از مفیدترین اقدامات افزایش میزان آگاهی است (نوربخش و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۰). اصولاً باید فرصت اصلاح و برگشت به آغوش جامعه برای مجرمان فراهم باشد تا با عبرت گرفتن از رفتار گذشته و امید به آینده در جهت اصلاح خویش تلاش نمایند

1. Paul Michel Foucault
2. Victor Marie Hugo

و بتوانند مجدداً از حقوق اجتماعی برخوردار گردند (پورقهرمانی و تیموری، ۱۳۹۹: ۶۱). همچنان که با افزایش شاخص سواد و سن مددجویان و تأهل آنها امکان استفاده مطلوب‌تر از تسهیلات و وام‌های دریافتی و سطح اشتغال‌زایی زندانیان زن بالاتر می‌رود. کمترین تأثیر اشتغال‌زایی خدمات مرکز بر مجرمان منکراتی، مجردان و سطوح تحصیلی ابتدایی بوده است (اسدالهی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۵۰). هم‌چنین، با اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی می‌توان تمایل به ارتکاب مجدد جرم توسط زندانیان را کاهش داده و با نظارت بعد از آزادی میزان گرایش آنان به ارتکاب جرم را در سطح پایین نگه داشت زیرا نگرش مثبت زندانیان نسبت به وجود برخی از امکانات و رضایت از معلمان و مسئولان فرهنگی موجب ترغیب و تشویق آنان به مشارکت در این‌گونه برنامه‌ها می‌شود و به بهبود رفتار و بازپروری اجتماعی زندانیان کمک می‌کند و آنان را برای ورود مجدد به جامعه می‌سازد (جهانگیری و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۴). طبعاً اگر چنین فرصتی به آنان داده نشود، دیگر انگیزه‌ای برای اصلاح و بهبود رفتار خود و پرهیز از ارتکاب جرایم جدید نخواهند داشت.

۲. خاستگاه و تحولات بهره‌مندی محکومان از آموزش

آموزش نیازی اساسی و بنیادین است، پیش‌نیازی برای فرد در جهت بهره‌مندی از حقوق و انجام تکالیف اجتماعی که بر عهده وی نهاده شده است. از سویی دیگر آموزش به فرد کمک می‌کند تا از ارزش‌های فرهنگی و معنوی جامعه آگاه گردد. مهارت‌ها و دانش موردنیاز برای تعلیم فنی و حرفه‌ای او فراهم آید و توانمندی‌های لازم فرد در جهت انتخاب حرفه مناسب و به‌تبع آن کسب درآمد ایجاد گردد (انوشه‌ئی، ۱۳۸۹: ۸). دورکیم نیز درباره آموزش و پرورش و رابطه آن با انسجام اجتماعی معتقد است: «جامعه هنگامی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد که بین اعضای آن به میزان کافی همگونی وجود داشته باشد. تعلیم و تربیت از ابتدا همانندی‌های موردنیاز جمعی را در فرد تثبیت و از این راه همگونی مذکور را تنفیذ و تقویت می‌کند» (دورکیم، ۱۳۶۸: ۹۱). حق آموزش و پرورش به‌مثابه یک حق اساسی، بنیادی و کلیدی قبل از آن که برخاسته از نیازها و ضرورت‌های

زندگی مدنی و اجتماعی باشد، دارای ریشه قراردادی، وضعی، عرفی و عقلایی بوده و برخاسته از عمق وجود انسان و دارای ریشه و مبنای الهی، تکوینی، طبیعی و فطری است.

۱-۲- خاستگاه بهره‌مندی محکومان از آموزش

بی‌شک، با توجه به فضای مسموم زندان‌ها و وجود فرهنگ خاصی که همواره در آن فضا حاکم است، در صورتی که مجرمان در دوران گذران حبس خود رها گردند و صرفاً به جنبه سزادهی کیفر حبس بسنده شود، نه تنها نمی‌توان انتظار عدم تکرار جرم را داشت بلکه می‌بایست منتظر بود تا چه در فضای زندان و چه پس از خروج شاهد جرایم و انحرافات ثانویه باشیم (مؤذن‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲۳). زندان در کنار هزینه‌های اقتصادی و مشکلات بهداشتی و درمانی بسیاری که دارد، به مدرسه‌ای مجرم‌ساز تبدیل شده است؛ مکانی که مجرمان اتفاقی در کنار مجرمان حرفه‌ای قرار گرفته و در این راستا تجارب و تفکرات مجرمانه به سهولت مبادله می‌شود (تیموری و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۶). از همین رو، آموزش زندانی می‌تواند نقش مهمی در بازپروری زندانیان داشته باشد، اما علی‌رغم برخورداری زندانیان از حق آموزش، موانعی برای تحقق حق آموزش در عمل وجود دارد. با توجه به مزایای آن برای زندانیان، رژیم‌های زندان و برای جامعه می‌بایستی اجرای حق آموزش تقویت شود و سرمایه‌گذاری بیشتری در آموزش انجام شود (Easton, 2020: 1). آموزش زندانی از سوی مقام مسئول هم یک دوراندیشی ضروری به نفع جامعه است و هم یک تکلیف در برابر زندانی «آموزش به‌تنهایی می‌تواند به‌منزله ابزار ندامتگاهی به کار گرفته شود. مسئله زندانی کردن ندامتگاهی مسئله آموزش است» درمان تحمیل شده بر زندانی به‌دوراز هرگونه درهم‌آمیزی فساد انگیز می‌بایست اساساً در جهت آموزش عمومی و حرفه‌ای و اصلاحش باشد (فوکو، ۱۳۸۵: ۳۳۷). ممکن است در آینده این امکان فراهم شود که به‌عنوان یکی از انواع مجازات و به‌جای توسل به اعدام و تبدیل بزهکار به خاک، او را به موجودی دیگر تبدیل نمایند تا قابلیتی برای استفاده داشته باشد (غلامی، ۱۳۹۵: ۵۷). بدون تردید چنین هدفی، از جمله وظایف اصلی حکومت و به‌طور کلی نظام عدالت کیفری به نحو خاص است. وقوع جرم در هر جامعه از جمله مهم‌ترین عوامل ناامنی و سلب یا تهدید آسایش عمومی است. توسل به بازپروری بزهکاران و پیشگیری از تکرار جرم آنان، یکی از راه‌های تحقق امنیت و آسایش عمومی به‌مثابه حق همگانی است که دولت مکلف به تأمین آن است. چنین حقی ریشه در

این واقعیت اجتماعی و جرم‌شناسی دارد که بسیاری از انواع بزهکاری ناشی از فقدان دسترسی به فرصت‌های مناسب برای جامعه‌پذیری است و بزهکاری معلول عدم تأمین امکانات آموزشی، اشتغال و ... لازم برای افراد اجتماع در این خصوص است. دولت وظیفه دارد از طریق تأمین چنین امکاناتی مانع از ارتکاب بزه توسط شهروندان گردد. چنین وظیفه‌ای نسبت به بزهکاران مضاعف است؛ زیرا آنان با ارتکاب جرم، در چنان وضعیت بحرانی و مخاطره‌آمیزی قرار گرفته‌اند که تنها از طریق بازپروری و توانمندسازی مناسب، امکان نجات و گریز از آن شرایط را دارند. از این جهت حق بر بازپروری یکی از مصادیق حق و مطالبه آن است که شهروند، حتی اگر بزهکار باشد و به‌ویژه وقتی بزهکار باشد، می‌تواند از دولت مطالبه نماید. چنین است که می‌گوییم وظیفه نظام کیفری دولتی، بازپروری بزهکار و توانمند کردن او برای زندگی عاری از بزه است (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۹۳-۱۹۲). از همین رو، آموزش و تربیت مجرم در محیط زندان گاهی اساسی و حیاتی برای اصلاح و تربیت مجرم است. مجرم در فرایند جامعه‌پذیری و بازسازی اجتماعی که از طریق آموزش به او منتقل می‌شود، می‌آموزد که در جامعه چگونه رفتار نماید و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را محترم بشمارد. از آنجا که معمولاً سطح فرهنگ جامعه ارتباط مستقیمی با جرم دارد و هر چه سطح فرهنگ بالاتر رود، میزان جرم و جنایت کمتر است (داودیان، ۱۳۹۵: ۱۷۵). ملاحظه می‌شود که یکی از سازوکارهای بازپروری محکومان بهره‌مندی از حق آموزش است تا از این طریق از تکرار جرم پیشگیری گردد.

۲-۲. تحولات بهره‌مندی محکومان از آموزش

مارک آنسل^۱ درباره زندان می‌گوید: «زندان، دیگر در عمل، آنچه را که مدعی آن است؛ یعنی برای آن ایجاد شده ارائه نمی‌دهد، هدف انسان‌های سده هجدهم که برای زندان، اقسام و درجه‌هایی را منظور کرده بودند؛ آن بود که مجازات یاد شده جنبه عبرت‌انگیز به خود بگیرد، انسان‌های سده نوزدهم را نظر به آن بود که زندان انفرادی، اسباب ندامت محکوم را فراهم می‌سازد و او را در اتخاذ تصمیم مبتنی بر ادامه زندگی شرافتمندانه یاری می‌دهد، انسان‌های سده بیستم نیز زندان را مکان و وسیله بازپروری اجتماعی محکوم می‌دانند، ولی حقیقت این است که همه این امیدها بر باد رفته است. زندان ضمن آن که باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزهکاری باشد، از همان آغاز به صورت

1. Mark Ancel

یک مدرسه تکرار جرم بوده و یا به آن تبدیل شده است» (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۷). بزهکاری ناشی از عوامل ساختاری و اجتماعی است که زندان در از بین بردن آن‌ها تأثیری ندارد و تا زمان وجود علل و زمینه‌های بزهکاری در جامعه، زندان‌ها هم با ازدحام جمعیت کیفری مواجه خواهند بود (شیریان نسل و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۶). از آنجا که جمعیت زندان را به‌طور عمده افرادی تشکیل می‌دهند که دارای سطح سواد پایین هستند و با طیفی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و شخصی و نیز مشکلات مربوط به انواع مختلف اعتیاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بدین جهت اقدام‌هایی که در راستای بازپروری مجرمان و درنهایت بازگرداندن آن‌ها به زندگی عادی صورت می‌گیرد باید با وضعیت این گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر مناسب باشد (راجر^۱ و پیتز^۲، ۱۳۸۱: ۱۷۲). امروزه اصلاح و تربیت زندانیان بیشتر از مجازات آن‌ها متولیان امور زندانبانی در ایران و سراسر جهان موردتوجه است، لاجرم بایستی تشکیلات لازم برای اقدامات اصلاحی و تربیتی باوجود افراد متخصص پیش‌بینی شود (رجبی، ۱۳۸۲: ۸۴). چراکه درمان بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، با تأسیس زندان‌های راحت میسر نمی‌شود؛ بلکه علاج واقعی عبارت است از تربیت و شناخت بهتر انسان است (تسخیری، ۱۳۹۲: ۱۶). زندان هم‌چنین می‌تواند در محدوده‌ای، به‌عنوان تثبیت‌کننده و ترمیم‌کننده عمل کند (Crewe & Ievins, 2020: 4). در صورتی که ما زندان را یک مؤسسه آموزشی فرض کنیم و زندانیان را دانش‌آموزان این مؤسسه، بدون شک در صورتی این دانش‌آموزان می‌توانند در جامعه خود سودمند باشند که کلیه آموزش‌های لازم را به نحو صحیح و کامل فراگیرند و به‌بیان دیگر، فرایند اصلاح و تربیت بر روی آنان از سوی افرادی آموزش‌دیده و کار بلد صورت گیرد (شکوه مسقانی و قانع، ۱۳۹۸: ۱۱۹). حق برخورداری از آموزش اولیه در زندان‌ها پیش‌نیازی برای دستیابی به هدف موردتوافق بین‌المللی برای تضمین سطح پایه آموزش برای همه است (Sutton, 1995: 8). اگر زندانیان نسبت به شخصیت خود آگاهی و شناخت پیدا کنند و هم‌چنین با جامعه و با خدای خود به نحو صحیح و مطلوب ارتباط برقرار نمایند، میزان عزت‌نفس در آنان افزایش یافته و به خودشکوفایی روحی و روانی خواهند رسید و درنهایت در افکار، رفتار و شخصیت آنان تغییرات سازنده و مطلوب صورت می‌گیرد که این تحولات موجب می‌گردد تا زندانیان پس از آزادی از زندان مجدداً مرتکب جرم نگردند بلکه به‌صورت کاملاً سعادتمندانه به زندگی خود

1. Mathias Roger
2. Francis Peter

در جامعه ادامه دهند. لذا نظام زندانبانی نقشی بسیار پررنگ را در فرایند اصلاح و تربیت زندانیان، جلوگیری از بازگشت مجدد آنان به زندان و همچنین تکرار مجدد جرایم خواهد داشت (شکوه مسقانی و قانع، ۱۳۹۸: ۱۳۴). بررسی تفکرات راهبردی قانون‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی، در حوزه اصلاح و درمان مجرمان، به‌خصوص در مرحله اجرای مجازات زندان و میزان اهتمام به اجرایی نمودن آن؛ مسئله مهمی است که می‌تواند در قالب مطالعه تطبیقی، هدفمند بودن و برنامه‌مداری یک سیستم را نشان دهد (ابراهیمی و ایزدی، ۱۳۹۱: ۲۹). با عنایت به اینکه امروزه یکی از مسائل کلیدی حال حاضر جامعه، مسئله افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌باشد، لذا به دست آوردن راهی به جهت فرایند اصلاح و تربیت محکومان و همچنین جلوگیری از بازگشت مجدد آنان به زندان از طریق آموزش موردتوجه مقنن محترم نیز قرار گرفته است که از جمله در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰ مطابق فصل سوم «برنامه‌های فرهنگی، اصلاحی و تربیتی» طی ماده ۷۹ سازمان را مکلف نموده است تا ترتیبی اتخاذ کند تا بر اساس «منشأهای ارتکاب جرم» که در پرونده وضعیت زندانی، شناسایی شده و مبتنی بر اصول علمی و با هدف رفع یا تعدیل این منشأها و با در نظر گرفتن طول مدت اقامت زندانیان در مؤسسه و دیگر اوضاع و احوال مؤثر که منجر به طبقه‌بندی اصولی زندانیان و مددجویان با توجه به برنامه‌های اصلاحی و تربیتی مدون می‌گردد از دوره‌های آموزشی تخصصی و تفکیکی و برنامه‌های متنوع فرهنگی و تربیتی از قبیل آموزش‌های رسمی و غیررسمی علمی، فرهنگی، مذهبی، ورزشی و هنری و مانند آن به‌صورت داوطلبانه برخوردار شوند. این برنامه‌های فرهنگی و تربیتی برابر ماده ۸۱ نیز شامل دوره‌های مذهبی در رشته‌هایی از قبیل آموزش نماز، ترویج و اقامه آن، آموزش‌های قرآنی، اخلاق، احکام، اعتقادات و معارف اسلامی، نهج‌البلاغه و سبک زندگی اسلامی و دوره‌های مهارت‌های اساسی زندگی از قبیل پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، برنامه‌های روان‌شناسی و مشاوره نیز می‌گردند؛ و در خصوص اشتغال زندانیان برابر ماده ۱۷۷ بیان شده است در صورتی که بر اساس پرونده وضعیت، مشخص گردد که زندانی متقاضی، مهارت لازم برای اشتغال را ندارد، مؤسسه با لحاظ امتیازات و درجه اعتباری زندانی، شرایط را برای حرفه‌آموزی وی فراهم می‌کند. همچنین مستفاد از ماده ۸۸ نیز سازمان مکلف است زمینه سوادآموزی و ادامه تحصیل زندانیان حسب مورد در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی را مطابق قوانین جاری کشور و امکانات سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مربوط فراهم

کند. شرکت افراد دارای سن کمتر از هجده سال تمام شمسی در مقاطع تحصیلی متوسطه و پایین‌تر و همچنین افراد بی‌سواد کمتر از شصت سال سن در آموزش‌های رسمی کلاس‌های نهضت سوادآموزی الزامی است؛ بنابراین وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان نهضت سوادآموزی و سازمان فنی و حرفه‌ای کشور بر اساس برنامه رسمی خود در خصوص آموزش زندانیان می‌بایستی با مسئولان مؤسسه هماهنگی و همکاری‌های لازم را نمایند.

۳. آموزش محکومان در رویکرد نظریه‌های جرم شناختی

با گذشت زمان و پیشرفت جوامع، مبحث موقعیت ارتکاب جرم و شخصیت مجرم نیز اهمیت یافت. به عبارتی هدف و کارکرد مجازات آن است که نه تنها در بزهکار شوق زندگی را برانگیزد بلکه به او توان زندگی کردن دهد. بر این اساس نهاد زندان به‌عنوان یکی از اقداماتی که جهت مقابله با جرایم تأسیس گردید و این نوع مجازات به‌عنوان مجازات اصلی و ابزاری در جهت «دفاع اجتماعی» به تدریج جای کیفی‌های بدنی را گرفت. نهاد زندان بر اساس انگیزه‌ها و هدف‌هایی به وجود آمده است، به‌طور کلی اندیشمندان علم اداره زندان‌ها، هدف‌های زندان را در اصلاح و تربیت یا درمان بزهکاران، پیشگیری عمومی، پیشگیری فردی و همچنین تلافی برای تنویر افکار عمومی خلاصه کرده‌اند. اهداف کلی و عمومی اجرای مجازات سلب آزادی به‌قرار زیر است: الف) سزادهی و مجازات: این هدف موردنظر مکاتب عدالت مطلقه حقوق جزاست؛ ب) انتقام، کفاره جرم و تشریف خاطر زیان‌دیده: این کارکرد به‌طور سنتی مورد توجه نظام‌های جزایی و خصوصاً نیروهای پلیس بوده است؛ ج) اصلاح و تربیت و بازسازی اجتماعی: این هدف از رویکردهای مدرن کیفر سلب آزادی و از اهداف اصلی زندان‌هاست؛ د) پیشگیری: که خود شامل (پیشگیری اولیه، ارباب، پیشگیری ثانویه یا پیشگیری از تکرار جرم) است (شمس، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲). به‌هرحال، زندانی که در حبس در حال اجرای حکم دادگاه است، حقوق خود را به‌عنوان یک انسان به‌کلی از دست نمی‌دهد و بنابراین باید با وجود محبوس بودن در زندان، از برخی حقوق اولیه برخوردار باشد (Ayodeji Araromi, 2015: 169).

رویکرد اصلاحی و درمانی بازپرورانه، از مهم‌ترین و شاید امروزه، از مورد توجه‌ترین ابزارهای واکنشی

به منظور پاسخ‌دهی به جرم است که تصمیم‌گیران سیاست جنایی، به منظور کاهش میزان تکرار جرم می‌توانند از آن استفاده کنند.

ابزارهای مقابله با بزهکاری در حقوق کیفری معاصر عبارت است از مجموعه کیفرها و اقدامات تأمینی. ارباب عام و خاص، خنثی‌سازی و سزادهی کارکردهای سنتی و اصلاح، درمان و یا بازپروری بزهکاران، کارکرد جدید کیفر محسوب می‌شود که کارآمدی آن‌ها در جرم‌شناسی حقوق کیفری بررسی می‌شود. بازپروری، اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی مترادف هم به کاررفته و معنی مفهومی و موسع آن مدنظر قرار گرفته است (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۷). که در مفهوم موسع می‌توان با عنوان جرم‌شناسی بالینی از آن نام برد. همچنان که اصلاح نشدن محکومان و تکرار جرم پس از آزادی که به استمرار دامنه جرم می‌انجامد و تحمیل هزینه گزاف بر دولت و اموال عمومی و عدم ثمربخش بودن اقدامات کیفری، تبعات منفی و مشکلات اجتماعی زیادی را به وجود می‌آورد (ایزدپناه و ایزدپناه، ۱۴۰۰: ۳۸۵). لذا، محرومیت زندانیان از حقوق اساسی‌شان حین اجرای مجازات، کارکردهای بازپرورانه مجازات را از بین می‌برد. ایجاد محیط تحصیلی، رضایت از مسئولان و امکانات آموزشی در زندان از فعالیت‌های مهم در حوزه بازپروری زندانیان است که امکان دسترسی به محیطی که فرد سواد آموخته و با آموزه‌های تربیتی آشنا شود، فراهم می‌گردد. همچنان که با افزایش رضایت از امکانات تحصیلی، میزان رضایت از عملکرد مسئولان فرهنگی افزایش و با اجرای برنامه‌های آموزشی، تمایل به ارتکاب جرم کاهش می‌یابد (جهانگیری و قماش، ۱۳۹۶: ۶۳). تکرار جرم از عوامل عمومی تشدید مجازات می‌باشد و عبارت است از وضعیت فردی که پس از ارتکاب جرم و دریافت محکومیت قطعی، مجدداً مرتکب جرم دیگری شده است و قانون‌گذار به دلیل عدم رفع حالت خطرناک بزهکار با اعمال محکومیت نخست، در مرتبه بعد او را مستحق مجازاتی شدیدتر از قبل فرض می‌نماید. تکرار جرم علاوه بر آنکه نشانه ناتوانی و قصور بزهکار جهت بازپذیری و انطباق با حیات عاری از جرم می‌باشد بیانگر کاستی و ناتوانی نهادهای مجری عدالت کیفری جهت بازسازی و بازپروری و همچنین پیشگیری از جرم نیز می‌باشد (ملک‌پور، ۱۳۹۶: ۷۴). جرم‌شناسان اتفاق نظر دارند که از ابتدای پیدایش جرم‌شناسی علمی، بازپروری و اصلاح بزهکاران، هدف اساسی آموزش و تحقیقات جرم‌شناسی محسوب می‌شده است. بر همین اساس، کیفرشناسان نیز برای مجازات‌ها، به‌ویژه مجازات‌های سالب آزادی، کارکرد بالینی قائل شده‌اند؛ یعنی اقامت زندانی در زندان، باید به بازپروری

وی منجر شود. بدین ترتیب یافته‌های جرم‌شناسی کاربردی، جهت‌گیری حقوق کیفری و کیفرشناسی را تحت تأثیر قرار دادند قانون‌گذار کیفری نیز به‌نوبه خود، با فردی کردن تدابیر کیفری در مرحله تعیین و اجرای کیفر به این حوزه علاقه نشان داد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۲). تلاش برای اصلاح زندانیان و ارتقای سازگاری آن‌ها با جامعه و مهار و قابل‌تحمل‌سازی نرخ ارتکاب جرایم و تکرار جرم هدف شگفت‌انگیز جرم‌شناسی اصلاح و درمان (جرم‌شناسی اصلاح مدار) است که از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و هیچ‌کس ابداع‌کننده آن نیست. در رویکرد حقیقی جرم‌شناسی اصلاح‌گرا این اعتقاد وجود دارد که رفتار آدمی مستقیماً در روح و روان او نقش دارد؛ کار و عمل نیک و خدایسند موجب تعالی روح او و ارتکاب اعمال مجرمانه و غیراخلاقی سبب آلودگی روح و روانش می‌گردد. با چنین اعتقادی که در بینش جرم‌شناسانه اصلاح مداری، مجازات هم به تأمین حقوق و مصالح فرد توجه دارند و هم مصالح و حقوق عامه را موردنظر قرار می‌دهند (کونانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۰). در تفکر اصلاح اجتماعی محکومان، زندان محیطی برای بازجامعه‌پذیری است که بایستی سازوکارهای یادگیری و درونی کردن هنجارهای اجتماعی در آن مستقر شده و به مجرمان برای این که در چرخه یک زندگی جمعی جدید و در تعامل با دیگران، تجربه‌پذیری عاطفی مطلوبی داشته باشند، کمک نماید. اگر مجرمان در دوران تحمل مدت حبس به‌خوبی جامعه‌پذیر شده و از تعارض و شکاف‌های آموزشی، ارزشی، طبقاتی و شخصیتی سابق رهایی یابند، می‌توان امیدوار بود که در فضای اجرای کیفر حبس مقدمات لازم را برای بیگانه‌سازی هرچه عمیق‌تر محکومان با رفتارهای مجرمانه فراهم آورد. اصلاح شدن مجرمان و بزهکاران از اهداف غایی و اصلی مجازات‌هاست. اینکه نظام‌های زندانبانی نتوانسته‌اند در عمل و به‌درستی موجباتی برای اصلاح زندانیان فراهم آورند، نمی‌تواند سبب آسیب و اشکال به نظریه و اندیشه اصلاح باشد (کونانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۴۸). چراکه با انجام درست برنامه‌های اصلاحی که به اصلاح و بازپروری محکومان منجر گردد احتمال تکرار جرم کاهش خواهد یافت.

از سویی نیز، نظام‌های عدالت کیفری برای پاسخ‌دهی به بزهکاری هدف‌های متعددی را در دو قالب ناپیامدگرایی و پیامدگرایی دنبال می‌کنند متنوع شدن هدف‌های سامانه عدالت کیفری دلایل زیادی دارد که رشد و توسعه جرم‌شناسی از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. در پرتو این شاخه علوم جنایی نظریه‌ها و روش‌های بسیاری برای مهار پدیده مجرمانه معرفی شده‌اند. در پرتو این رویکرد دستگاه عدالت کیفری باید با لحاظ حالت خطرناک مجرمان در راستای پاسخ‌دهی گام بردارد و

زمینه‌ساز بازگشت بزهکاران به عرصه جامعه باشد. به همین جهت، شناسایی ظرفیت جنایی، میزان انطباق اجتماعی و نیز سطح اصلاح و درمان‌پذیری مجرمان در شمار تکالیف دستگاه عدالت کیفری قرار دارد. در پهنه جرم‌شناسی بالینی کلیه نهادهای عدالت کیفری از جمله زندان باید برای شناخت حالت خطرناک بزهکاران و در نتیجه مرتفع ساختن نیازهای فردی و محیطی این دسته بسترسازی کنند. بازپروری بزهکاران هنوز مهم‌ترین هدف برای نظام عدالت کیفری است. چنان که در عرصه حقوق بشر می‌توان آن را از جمله حق‌های مرتکبان جرم به شمار آورد، زیرا این‌گونه پنداشته می‌شود که بزهکاران تحت تأثیر عوامل فردی و محیطی که خود در پدید آوردن آن‌ها چندان نقش نداشته‌اند، به بزهکاری روی آورده‌اند. در نتیجه در پهنه عدالت کیفری باید زمینه دسترسی به کمینه‌های زندگی که می‌تواند در جامعه‌پذیرسازی و هم‌نوا کردن آن‌ها با هنجارهای بنیادین اجتماعی مؤثر باشد، فراهم شود؛ بنابراین شناسایی رویکرد بازپرورانه در قلمرو عدالت کیفری و به‌کارگیری برنامه‌ها و شیوه‌های اصلاح و درمان از حق‌های بزهکاران به شمار می‌رود. بر این اساس، نظام عدالت کیفری به‌عنوان بخشی از حاکمیت باید اسباب دسترسی شهروندان به حق‌های بشری از جمله موجبات و ابزارهای بازپرورانه به‌منظور دوباره هنجارمند شدن بزهکاران را فراهم سازد. این رویکرد در بستر دولت‌های رفاه که اساساً خود را نسبت به وضعیت و سرنوشت شهروندان مسئول می‌پندارد، موردپذیرش قرار می‌گیرد. در واقع، این دولت‌ها گرایش افراد به بزهکاری و نقض هنجارهای بنیادین اجتماعی را نتیجه مدیریت گذشته تصور می‌کنند و به همین جهت در بستر عدالت کیفری درصدد جبران آن هستند (نیازپور، ۱۳۹۵: ۱۷۴-۱۷۵). نتیجه‌ای که تمام این موارد در پی دارد آن است که امروزه حبس نه‌تنها در زندان، بلکه در تمام جامعه استمرار دارد. حتی شاید بتوان گفت که به‌تدریج از زندان کیفری کاسته و به نهادهای زندان‌گونه مانند نهادهای آموزشی، درمانی و... افزوده می‌شود (اسفندیاری بهرآسمان و جوان‌جعفری بجنوردی، ۱۳۹۵: ۱۶۲). از همین رو، بر پایه آموزه‌های جرم‌شناسی اصلاح و درمان بازپروری مجرمان در راستای پیشگیری از تکرار جرم، هم حق بزهکاران است و هم تکلیف دولت‌ها تا از این طریق زمینه‌های بازگشت مجدد به‌جامعه فراهم گردد. لذا سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که در راستای بهره‌مندی محکومان از آموزش نقش مؤثری در بازپذیرسازی اجتماعی آن‌ها خواهد داشت که در نهایت پیشگیری از تکرار جرم را ایفاء می‌کند.

نتیجه‌گیری

آموزش امروزه رکن اساسی ترقی و پیشرفت جوامع بشری قلمداد می‌گردد و به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین هر فرد در جامعه است، خواه آن فرد بزهکار بوده یا غیر بزهکار باشد. از سویی نیز مجازات زندان به‌منظور دستیابی به اهداف اصلاحی و تربیتی خود نیازمند استفاده از ابزارها و سازوکارهای متعددی است که در این میان آموزش محکومان از مهم‌ترین جلوه‌های آن‌ها به شمار می‌رود؛ زیرا عدم بهره‌مندی محکومان از آموزش می‌تواند در ناآشنا ماندن اینان با هنجارهای اجتماعی و در نتیجه گرایش آنان به تکرار جرم نقش‌آفرین باشد. به همین منظور می‌بایست در محیط زندان برنامه‌های آموزشی به‌منظور بازپروری محکومان تدوین شده و به اجرا درآیند تا از این طریق محکومان از اساسی‌ترین جلوه‌های برنامه‌های بازپرورانه که در پرتو آن محکومان از یک‌سو به یکی از مصادیق برجسته حق‌های بشری (حق آموزش) دست یابند؛ و از سوی دیگر به سمت هنجارمندی پیش بروند. بازپروری، هم در آموزه‌های کیفر شناختی و هم در نظریه‌های جرم شناختی موردتوجه قرار گرفته و توسل به آن ضروری تلقی شده است. از این جهت، درحالی‌که در آموزه‌های کیفر شناختی، حق بر بازپروری به‌عنوان یکی از حقوق بزهکار مدنظر قرار گرفته است، در رویکرد جرم شناختی، با توجه به علت‌شناسی جرایم و نقش و تأثیر انواع عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت بزهکار، فرایند اجتماعی شدن نامناسب وی، بر ضرورت پرورش مجدد بزهکار و توانمند کردن او به‌منظور کاهش احتمال تکرار جرم تأکید می‌شود. با رویکردی کیفر شناختی می‌توان گفت بازپروری از طریق بهبود بزهکار، یکی از تدابیر پیشگیری از بزهکاری و در نتیجه در راستای تأمین امنیت و آسایش عمومی است. لذا اهمیت آموزش تا آنجاست که نظام عدالت کیفری برای بازپروری محکومان و بازگرداندن آنان به یک زندگی شرافتمندانه تلاش می‌کند با گسترش آموزش در زندان‌ها و مؤسسات وابسته به آن گامی جهت اصلاح و بازاجتماعی شدن بزهکاران برداشته شود. در نتیجه زندان نه محلی برای تحمیل مجازات، بلکه راهی برای بازپروری و اصلاح بزهکاران تلقی می‌شود. چراکه در واقع مجازات بزهکار برای حفظ نظم و آرامش و امنیت جامعه است. با توجه به اینکه اکثریت محکومان به زندان مجدداً به جامعه بازمی‌گردند، چنانچه اعمال مجازات حبس بدون در نظر گرفتن تدابیر اصلاحی صورت گیرد، اثر معکوس داشته و محکومان پس از سپری نمودن

دوران محکومیت خود، مرتکب مجدد جرم می‌شوند از همین رو استفاده از سیاست آموزش محکومان راهبردی برای پیشگیری از تکرار جرم خواهد بود.

پیشنهادها

۱. افزایش همکاری مؤسسات کیفری با مؤسسات آموزشی و مرکز مراقبت پس از خروج زندانیان به منظور ادامه روند بازاجتماعی کردن محکومانی که دوران حبس خود را سپری کرده‌اند تا از این طریق در خارج از زندان نیز روند آموزش را ادامه دهند.
۲. بهره‌گیری از مشارکت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای مدنی که در امر آموزش و پرورش فعالیت دارند با همکاری انجمن حمایت از زندانیان در راستای آموزش محکومان تأثیرگذار است.
۳. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی و امکانات آموزش از راه دور در راستای آموزش محکومان می‌تواند مثمرتر واقع گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

الف- منابع فارسی:

* قرآن کریم

۱. ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۵). پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
۲. ابراهیمی، شهرام و ایزدی، عبدالله، (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی و درمانی، در مرحله اجرای مجازات زندان، در ایران و کانادا». فصل‌نامه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۲: ۲۹-۶۰.
۳. ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۱). «بازپروری عادلانه مجرمان». فصل‌نامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۳: ۱۵۱-۱۷۶.
۴. اسدالهی، عبدالرحیم؛ محسنی تبریزی، علیرضا و براتوند، محمود، (۱۳۸۸). «نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زایی زنان زندانی خوزستان». فصل‌نامه رفاه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳۴: ۳۴۹-۳۵۵.
۵. اسفندیاری بهرآسمان، محمدصالح و جوان‌جعفری بجنوردی، عبدالرضا (۱۳۹۵). «کارکرد زندان از منظر نظریه‌های جامعه‌شناسی مجازات». فصل‌نامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۳، شماره ۱۲: ۱۳۷-۱۶۸.
۶. آشوری، محمد، (۱۳۸۵). جایگزین زندان یا مجازات‌های بینابین. چاپ دوم. تهران: انتشارات گرایش.
۷. آنسل، مارک، (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی. ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. انصاری، باقر، (۱۳۹۵). حق آموزش: حق کودک به آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر. چاپ اول. تهران: انتشارات شهر دانش.
۹. انوشه‌ئی، مهدی، (۱۳۸۹). حق بر آموزش حداقلی در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر. دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۰. ایزدپناه، غلامرضا و ایزدپناه، وجیهه، (۱۴۰۰). «حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی». فصل‌نامه تمدن حقوقی، دوره ۴، شماره ۹: ۳۸۳-۴۰۵.
۱۱. بیگی، جمال، (۱۳۸۸). بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران. چاپ دوم. تهران: انتشارات میزان.
۱۲. بیگی، جمال، (۱۳۹۸). «راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی». فصل‌نامه سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۹، شماره ۴: ۳۱-۴۶.

۱۳. بیگی، جمال و تیموری، مهرداد، (۱۴۰۰). «نقد و بررسی لایحه حق تحصیل محکومان در پرتو اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی». فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۳: ۱۱۵۹-۱۱۸۲.
۱۴. بیگی، جمال و تیموری، مهرداد، (۱۳۹۹). «آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و چالش‌های فراروی آن در حقوق ایران». فصل‌نامه حقوق کودک، دوره ۲، شماره ۵: ۱۰۱-۷۳.
۱۵. پورقهرمانی، بابک و تیموری، مهرداد، (۱۳۹۹). «چالش‌های فراروی نهاد سجل قضایی به عنوان ابزار کشف علمی جرایم با تکیه بر آیین‌نامه سجل قضایی مصوب ۱۳۹۸». فصل‌نامه کارآگاه، روره ۱۴، شماره ۵۳: ۷۸-۵۹.
۱۶. تسخیری، محمدعلی، (۱۳۹۲). «حقوق زندانیان». فصل‌نامه دین و قانون. دوره ۱، شماره ۲: ۷-۲۸.
۱۷. تقی‌پور ظهیر، علی، (۱۳۸۶). مبانی و اصول آموزش و پرورش. چاپ اول. تهران: انتشارات آگه.
۱۸. توحیدی، احمدرضا، (۱۳۸۵). تأملی در اصول کلی نظام، حقوق و ناآرامی‌های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول. قم: انتشارات معارف.
۱۹. تیموری، مهرداد، (۱۴۰۱). سیاست جنایی ایران در قبال نقض حق بر سلامت زندانیان با تکیه بر اسناد بین‌المللی، رساله دکتری تخصصی رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
۲۰. تیموری، مهرداد؛ بیگی، جمال و احدی، فاطمه، (۱۴۰۰). «حبس زدایی سلامت‌محور؛ برآیند سلامت و عدالت در رویکرد نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر». فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۸، شماره ۷۱: ۹۵-۱۲۰.
۲۱. تیموری، مهرداد، (۱۳۹۶). حق آموزش زندانیان و چالش‌های فراروی آن در ایران با تکیه بر اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
۲۲. جعفری، سیروس، (۱۳۸۹). حق حرفه‌آموزی زندانیان در ایران و حقوق بشر بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل. دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
۲۳. جلالی، علیرضا و مالدار، محمدحسن، (۱۴۰۰). «حق بر مجازات نامتناسب نشدن در مرحله اجرای کیفر حبس در پرتو آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر». فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۴۷: ۱۰۲-۱۲۸.
۲۴. جهانگیری، الناز و قماش، سعید، (۱۳۹۶). «بررسی کارکردهای بازپرورانه اجرای حق برخورداری از آموزش و پرورش در زندان‌های استان اصفهان». فصل‌نامه پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۲: ۹۱-۶۳.
۲۵. داوودیان، احسان، (۱۳۹۵). حقوق زندانی در ایران و اسناد بین‌المللی. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد.

۲۶. دورکیم، امیل، (۱۳۶۸). تربیت و جامعه‌شناسی. ترجمه: علی محمد کاردان. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. راجر، پیتر و ماتیوس، فرانسیس، (۱۳۸۱). زندان‌ها در هزاره سوم: دیدگاه بین‌المللی بر وضعیت فعلی و آینده حبس. ترجمه: لیلا اکبری. چاپ اول. تهران: انتشارات راه تربیت.
۲۸. رجبی، امین، (۱۳۸۲). شرح آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشور.
۲۹. سلامتی، اخوان فرد؛ طالقانی، یعقوب و مسعود، حسین، (۱۳۹۴). «تکلیف بر رعایت حق بر آموزش در حقوق اسلامی و مقررات حقوق بشر». فصل‌نامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۸، شماره ۴: ۸۰-۹۹.
۳۰. شکوه مسقانی، فرود و قانع، امیررضا، (۱۳۹۸). «جستاری در باب زندانبانی». فصل‌نامه قضاوت، دوره ۱۹، شماره ۹۷: ۱۱۷-۱۳۷.
۳۱. شیریان نسل؛ مریم، بیگی، جمال و پورقهرمانی، بابک، (۱۳۹۹). «تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و نقض مقررات بین‌المللی حقوق بشر؛ علت‌ها و راهبردها». فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۷، شماره ۶۷: ۶۵-۹۰.
۳۲. شمس، علی، (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی زندان. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۳۳. طلایی، فرهاد؛ احمدی باباناری، سمیرا و نبوی‌زاده، سیده لیلا، (۱۳۹۴). «تحلیلی بر کار کودک و تأثیر آن بر حق آموزش کودک با تأکید بر برنامه بین‌المللی حذف کار». دو فصل‌نامه حقوق بشر، دوره ۱۰، شماره ۱۹: ۳-۲۴.
۳۴. علیزاده، ابراهیم، (۱۳۹۱). ساختار نظام آموزش و پرورش ایران و جهان. چاپ اول. شیراز: انتشارات ارم.
۳۵. غلامی، حسین، (۱۳۹۵). کیفر شناسی: کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم. با دیباچه: پروفیسور هانس یورگ آلبرشت. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
۳۶. فوکو، میشل، (۱۳۸۵). مراقبت و تنبیه تولد زندان. ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. چاپ ششم. تهران: انتشارات نی.
۳۷. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر: دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها. چاپ اول. تهران: انتشارات شهر دانش.

۳۸. کونانی، سلمان و مهدوی ثابت، محمدعلی، (۱۳۹۸). جرم‌شناسی اصلاح و درمان «درسنامه‌ی تغییر و اصلاح زندانیان». چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۳۹. کونانی، سلمان؛ مهدوی ثابت، محمد مهدی؛ اردبیلی، محمدعلی و صفاری، علی، (۱۳۹۹). «تحلیلی جامعه‌مدار از سیاست اصلاح و درمان محکومان (زن و مرد) و روش‌های آن». فصل‌نامه زن و جامعه، دوره ۱۱، شماره ۴۲: ۲۲۷-۲۵۵.
۴۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۱۱ ه.ق). بحارالانوار. جلد اول. تهران: انتشارات اسوه.
۴۱. ملک‌پور، احسان، (۱۳۹۶). «میزان تأثیرپذیری مجرمین در زندان جهت تکرار جرم». ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۱۹: ۷۱-۸۳.
۴۲. مؤذن‌زادگان، حسنعلی و خدادادی، سیدبهمین، (۱۳۹۲). «نظارت بر مجرمان، در فرایند مجازات سلب آزادی». فصل‌نامه پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۲: ۲۰۱-۲۲۶.
۴۳. نوربخش، منیژه؛ کیخا، محمدرضا و حسن‌تبار، فاطمه، (۱۳۹۷). «میزان آگاهی زندانیان زندان سراوان از قوانین حمایتی از حقوق زندانیان». فصل‌نامه تحقیقات حقوقی معاهده، دوره ۲، شماره ۵: ۲۹-۴۴.
۴۴. نیازپور، امیرحسن، (۱۳۹۵). «تحلیل جرم‌شناسانه جداسازی زندانیان؛ با نگاهی به آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان». فصل‌نامه حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، شماره ۹۶: ۱۷۴-۲۰۱.
۴۵. نیازپور، امیرحسن، (۱۳۹۴). «حق زندانیان بر تحصیل در قلمرو سیاست جنایی تقنینی سازمان ملل متحد و ایران». فصل‌نامه اندیشه‌های حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۱: ۱۹-۳۴.
۴۶. نیاورانی، صابر، (۱۳۸۹). «منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر». فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۵۲: ۳۸۱-۴۳۳.

ب- منابع لاتین:

47. Ayodeji Araromi, Marcus (2015). "Prisoners' rights under the Nigerian law: legal pathways to progressive realization and protection". *Journal of Sustainable Development Law and Policy*, 6(1): 169-198.
48. Crewe, Ben & Ievins, Alice (2020). "The Prison as a Reinventive Institution". *Journal of Theoretical Criminology*, 24(20): 1-22.
49. O'Byrne, Darren (2013). *Human Right an Introduction*. Publisher by Routledge.
50. Dieter Beiter, Klaus (2005). *The Protection of the Right to Education by International law: Including a Systematic Analysis of Article 13 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*. Published International Studies in Human Rights,

51. Easton, Susan (2020), “not just another brick in the wall? Protecting prisoners' right to education”, *International Journal of Law, Crime and Justice*, 69(1): 1-26.
52. Miah, Abdul Hamid & Ara Begum, Hosne (2018), “Education Training and Human Rights of the Prisoners in Bangladesh”. *International Journal of Educational Studies*, 1(2): 26-70.
53. Rangel Torrijo, Hugo & De Maeyer, Marc (2019). “Education in prison: A basic right and an essential tool”. *Journal of International Review of Education*, 65(1): 671-685.
54. Sutton, Peter (1995), *Basic Education in Prisons*, Publisher by United Nations Office at Vienna Crime Prevention.



The Convicts' right to Enjoy an Education; A Strategy to Prevent Recidivism

Jamal Beigi¹
Mehrdad Teymouri²

Abstract

Humans are equally entitled to benefit from their human rights as inherent and inalienable rights in any place and time without any discrimination. Human rights recognize mankind as having rights and freedoms by the mere fact of being a human being, and which includes the right to enjoy education. Today, education is considered as the foundation of progress and development of human societies and is one of the fundamental rights of every person in society, irrespective of whether he is a criminal or not. The purpose of this research is to examine the foundation as well as the origin and developments of convicts benefiting from the right to education and its impact on prevention of recidivism. The present research has been carried out, using documents and library sources and a descriptive and analytical method. The findings and results of the research indicate that enjoying the right to education is fundamental to attain rehabilitation and character building of convicts. Based on criminological theories, education helps criminals learn how to behave in society and respect social norms and values in the process of socialization and social reintegration, and on therefore helps to prevent recidivism.

KeyWords: *prison, right to education, education of convicts, prevention of recidivism.*

-
1. Associate Professor, Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Email: Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir)
 2. Researcher of Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Email: mehrdadteymoori1@gmail.com)